گزارش

ضعف نهادهای مدنی و ایمنی پایین محیط کار

ادامه از صفحه ۴

سرانجام قانون ایمنی و سلامت شغلی آمریکا (OSH Act) در سال ۱۹۷۰ تصویب شد. این قانون نتیجه «دهه‌ها مبارزه اتحادیه‌ها و کارگران» بود.

قرارداد بنگلادش: نمونه‌ای از همکاری جهانی

در سال ۲۰۱۳ آتش‌سوزی کارخانه تازرین و فروریختن ساختمان رنا پلازا در داکا، بیش از هزارو صد کارگر را به کام مرگ فرستاد. اتحادیه‌های بنگلادشی و سازمان‌های غیردولتی ازجمله کارزار لباس پاک سال‌ها بود خواستار توافقی الزام‌آور بودند. سه هفته بعد از فاجعه، بیش از ۳۰ برند بین‌المللی قراردادی موسوم به توافق‌نامه ایمنی آتش و ساختمان را امضا کردند. این قرارداد شرکت‌ها را ملزم می‌کرد فهرست کارخانه‌های پیمانکاری خود را منتشر کنند، به بازرسی‌های مستقل تن دهند، هزینه تعمیرات و دستمزد کارگران در زمان تعطیلی را تأمین کنند و به اتحادیه‌ها اجازه آموزش ایمنی در کارخانه‌ها بدهند. طبق گزارش اتحادیه جهانی IndustriALL، این توافق موجب بازسازی هزارو ۶۰۰ کارخانه و رفع نزدیک به ۲۰۰ هزار خطر بالقوه شد؛ اکنون توافقی بین‌المللی در حال گسترش به کشورهای دیگر است. اما با وجود اینکه قوانین کار در ایران قدمتی به اندازه یک قرن دارند، هنوز چنین تحولاتی در ایران مشابه جهان رخ نداده و با وجود فجایع صنعتی نظیر انفجار معادن و انفجار بندر شهید رجایی، هنوز چیزی دراین‌میان کم به نظر می‌رسد.

نهادهای رسمی و فقدان اتحادیه‌های مستقل

در ایران در دهه ۱۹۲۰ مقرراتی برای مراقبت‌های بهداشتی تدوین شد و در سال ۱۹۵۸ اداره بازرسی برای نظارت بر ایمنی تشکیل شد. قانون کار مصوب مواد ۸۵ و ۹۴ را برای حفاظت از سلامت و ایمنی کارگران اختصاص داده است. ماده ۸۵ می‌گوید همه واحدهای صنعتی باید اصول بهداشت و ایمنی را رعایت کنند؛ ماده ۹۴ به کارگر اجازه می‌دهد در صورت خطر جانی کار را متوقف کند. همه چیز در ظاهر خوب به نظر می‌رسد اما در عمل اجرای آن با دشواری روبه‌روست. اجرا به دلیل کمبود بازرسان (۹۰۰ بازرس برای ۲.۵ میلیون واحد تولیدی؛ هر بازرس بیش از سه هزار واحد را پوشش می‌دهد) و نبود نهادهای مستقل کارگری بسیار ضعیف است. نتیجه آن وقوع سالانه ۱۳ تا ۱۵ هزار حادثه شغلی، مرگ هزارو ۵۰۰ تا دو هزار کارگر و از دست رفتن ده‌ها میلیون روز کاری است. پس از انقلاب ۱۳۵۷، دولت شوراهای اسلامی کار (شوراهای اسلامی) و خانه کارگر را به‌عنوان تنها نهادهای قانونی کارگری معرفی کرد. این شوراها متشکل از نمایندگان مدیریت، دولت و کارگران‌اند و وظیفه اصلی‌شان «همکاری و هماهنگی» با مدیریت است، نه نمایندگی مستقل از سوی کارگران.

امیر خراسانی، جامعه‌شناس و پژوهشگر اجتماعی، در گفت‌وگو با روزنامه فرهیختگان درباره قوانین و مقررات حوزه کارگری با اشاره به اینکه حوادث کار دومین علت مرگ‌ومیر در ایران است، تأکید می‌کند که قوانین موجود به دلیل ضعف اجرا بی‌اثر شده‌اند؛ رسانه‌ها و سیاست‌مداران چندان به مرگ کارگران توجه نمی‌کنند و تا زمانی که سازمان‌های قدرتمند کارگری شکل نگیرد، ایمنی در اولویت قرار نخواهد گرفت: «اگر کارگران، تشکل‌های کارگری قوی داشتند، می‌توانستند بگویند تا زمانی که ایمنی کارگران تأمین نشود، دیگر به کار ادامه نمی‌دهند. می‌توانستند در برابر این‌همه نیروی کار ازدست‌رفته اعتراض کنند. زمانی که با نیروی کار قرارداد نمی‌بندید، زمانی که قراردادهای دائمی وجود ندارد یا مثلا قراردادهای دو، سه‌ماهه بسته می‌شود، در چنین شرایطی چه تشکلی می‌تواند تشکیل بشود؟!».

چرا در ایران تحولات مشابه رخ نداد؟

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد حوادث صنعتی تلخ می‌توانند به فرصت‌هایی برای اصلاح ساختارها و قوانین تبدیل شوند؛ مشروط بر آنکه صدای کارگران و جامعه مدنی شنیده شود و نهادهای مستقل بتوانند با دولت و کارفرمایان مذاکره کنند. تشکیل نهادهایی مانند سازمان بین‌المللی کار، کمیسیون‌های ایمنی ایالتی و توافق‌نامه‌های بین‌المللی نتیجه همکاری سه‌جانبه بین دولت، کارگران و کارفرمایان بوده است؛ چیزی که در ایران به نام سه‌جانبه‌گرایی شناخته می‌شود، اما در عمل چندان رخ نمی‌دهد. در ایران، با وجود قدمت قوانین کار، فقدان اتحادیه‌های مستقل، کمبود بازرسی و نبود شفافیت باعث شده حوادثی مثل انفجار معادن و فروریختن ساختمان‌ها به اصلاحات پایدار منجر نشود. برای جلوگیری از تکرار این فاجعه‌ها، ایران نیازمند به‌روزرسانی قوانین مطابق استانداردهای بین‌المللی، پذیرش اتحادیه‌های مستقل، افزایش بازرسان، تجهیز کارگاه‌ها و شفافیت رسانه‌ای است. تنها با تقویت جامعه مدنی و مشارکت واقعی کارگران در فرایند تصمیم‌گیری است که می‌توان فرهنگ ایمنی را نهادینه کرد و جان هزاران نفر را نجات داد.

گزارش «شرق» از پرونده قتل محیط‌بان «هدایت‌الله دیده‌بان» که همچنان در انتظار وکیل است

۱۰۳ روز بلاتکلیفی

سازمان محیط زیست از گرفتن وکیل برای این پرونده شانه خالی می‌کند

زینب رحیمی

با گذشت ۱۰۳ روز از قتل محیط‌بان «هدایت‌الله دیده‌بان» نه قاتل بازداشت شده و نه وکیلی برای پرونده گرفته شده است. با اینکه همسر شهید دیده‌بان بارها از سازمان محیط زیست درخواست کرده که برای پرونده قتل همسرش وکیل بگیرند اما مدیر حقوقی سازمان محیط زیست می‌گوید: «این پرونده نیاز به وکیل ندارد». این در حالی است که یک وکیل دادگستری تأکید دارد که تحقیقات مقدماتی پرونده قتل تعیین‌کننده سرنوشت پرونده است و حتما باید یک وکیل متخصص و مجرب روی پرونده کار کند. «نسترن» که بعد از قتل همسرش در شرایط جسمی و روحی نامساعدی قرار دارد، به دلیل برخی محدودیت‌های واردشده از سوی برخی نهادها، از مصاحبه اجتناب می‌کند. او بعد از قتل هدایت دیده‌بان، در اثر فشار روانی و اضطراب دچار خون‌ریزی معده شده است و از بازداشت‌نشدن قاتل هم بسیار رنج می‌برد. او می‌گوید: «تا زمانی که قاتل هدایت دستگیر نشود، من آرام و قرار ندارم».

بعد از ۱۰۳ روز، قاتل دستگیر نشده

محیط‌بان «هدایت‌الله دیده‌بان»، رئیس منطقه حفاظت‌شده خائیز استان کهگیلویه و بویراحمد، روز ۱۳ خرداد امسال (۱۴۰۴) با شلیک چند گلوله به قتل رسید. بنا به گفته فرمانده یگان حفاظت محیط زیست، محیط‌بان «دیده‌بان» در مسیر حرکت به سمت منطقه خائیز در جاده آسفالته بهبهان به سد مارون در محل تنگ بستانک، داخل خودرو سازمانی بر اثر اصابت مستقیم گلوله به ناحیه سمت چپ سر به شهادت رسید. دو روز بعد از قتل محیط‌بان، فرمانده انتظامی بهبهان از دستگیری یکی از قاتلان محیط‌بان دیده‌بان خبر داد و گفت اسلحه و تجهیزات مقتول در محل اختفای قاتل کشف شده و تلاش برای دستگیری دیگر متهمان پرونده ادامه دارد. هشت روز بعد از قتل محیط‌بان تعدادی از رسانه‌ها با مجوز نهادهای قضائی، تصویر و هویت قاتل اصلی یعنی «فردین سیاسی» را منتشر کرده و خواستار همکاری شهروندان برای بازداشت او شدند، اما با گذشت ۱۰۳ روز از قتل محیط‌بان، هنوز قاتل دستگیر نشده است. افزون بر این سازمان حفاظت محیط زیست با وجود وعده‌های قبلی هنوز هیچ وکیلی برای پرونده قتل محیط‌بان دیده‌بان نگرفته است.

اظهارات عجیب نماینده حقوقی سازمان محیط زیست

امیرحسین شمس، مدیر کل دفتر حقوقی سازمان حفاظت محیط زیست، در پاسخ به این پرسش که چرا برای پرونده محیط‌بان دیده‌بان هنوز وکیلی گرفته نشده است؟ به «شرق» می‌گوید: «برای پرونده محیط‌بان هدایت‌الله دیده‌بان نیاز به وکیلی نداریم. خودم به بهبهان رفته و با همه مسئولان شهرستان اعم از دادستان، بازپرس پرونده و مدیر کل محیط زیست استان کهگیلویه و بویراحمد هم صحبت کردم. کپی پرونده ۳۰۰ صفحه‌ای محیط‌بان دیده‌بان را در اختیار دارم و به آن اشراف کامل دارم، در وقت مقتضی برای پرونده هم وکیل می‌گیریم».

مدیر دفتر حقوقی سازمان محیط زیست، سه ماه بعد از قتل محیط‌بان تنها یک بار راهی شهرستان بهبهان شده و با مدیران محیط زیست استان کهگیلویه و بویراحمد دیدار کرده است: «الان باید قاتل بازداشت شود. تا قاتل دستگیر نشود نیاز به وکیل نداریم. ضمن اینکه با رئیس کانون وکلای استان کهگیلویه و بویراحمد هم صحبت کردم، آنها قول دادند در صورت نیاز در زمانی که سازمان محیط زیست اعلام کند، وکیل برای پرونده محیط‌بان دیده‌بان معرفی کنند». اما خبرنگار «شرق» با سه نفر از وکلا درباره این ادعای مدیر حقوقی سازمان محیط زیست مشورت کرده است. هر سه نفر اظهارات این مقام مسئول در سازمان محیط زیست را قویا رد کرده و معتقدند: «دستگیری قاتل هیچ منافاتی با تشکیل پرونده و گرفتن وکیل ندارد».

نقض غرض محیط زیست در پرونده محیط‌بان دیده‌بان

محمدهادی جعفرپور، وکیل دادگستری، در پاسخ به این سؤال که آیا گرفتن وکیل و شکایت مستلزم بازداشت قاتل است؟ با رد صریح اظهارات مدیر حقوقی سازمان محیط زیست، به «شرق» می‌گوید: «اصلا این‌طور نیست. محیط‌بان‌ها و مجموعه محیط زیست در حال حراست از سرمایه‌های ملی و ارائه خدمات عمومی هستند؛ بنابراین کارمندان این سازمان باید از حیث امنیت شغلی و امنیت جانی به این اطمینان خاطر برسند که اگر روزی روزگاری اتفاقی برایشان افتاد، سازمان محیط زیست از آنها حمایت می‌کند. در نتیجه این استدلال که از سوی سازمان محیط زیست مطرح شده مبنی بر اینکه چون هنوز متهم بازداشت نشده ما شکایت نمی‌کنیم، در واقع نقض غرض است. اتفاقا باید شکایت کنند تا مجموعه قضائی به موضوع ورود کند و متهم را تحت تعقیب قرار بدهد و مسائل قضائی پیگیری شود».

تحقیقات اولیه در پرونده قتل اهمیت حیاتی دارد

جعفرپور با تأکید بر اینکه حضور وکیل در مرحله مقدماتی پرونده‌ها بسیار اهمیت دارد، ادامه می‌دهد: «شالوده پرونده‌های قضائی همگی در مرحله تحقیقات مقدماتی شکل می‌گیرد، به‌ویژه در پرونده قتل که مرحله تحقیقات مقدماتی آن از همه پرونده‌ها مهم‌تر است. دقت کنیم؛ وقتی قتلی رخ می‌دهد بلافاصله مراجع انتظامی و قضائی در صحنه حاضر می‌شوند. اولین برگه از پرونده‌های قتل شامل کروکی محل وقوع حادثه و جسد است که ما تحت عنوان بازسازی صحنه قتل از آن یاد می‌کنیم. در بازسازی صحنه قتل وجود نشانه‌های بسیار جزئی، وجود یک فشنگ، پوکه یا یک سلاح سرد، طناب و... اهمیت دارد. اینکه این اجزا در کجای صحنه قتل افتاده و زاویه افتادنشان چطور است، اهمیت دارد. اینکه زاویه افتادن جسد به چه شکلی است، در پرونده قتل مهم است. در شروع تحقیقات پرونده قتل باید به این جزئیات توجه کرد، به همین سبب وکیل متخصص باید به پرونده ورود کند».

پرونده‌های قتل نیاز به وکیل متخصص دارند

این وکیل دادگستری با تأکید بر اینکه بازسازی صحنه قتل، کشیدن کروکی، بررسی گواهی پزشکی قانونی و احراز علت تامه قتل، کار یک وکیل متخصص است، بیان می‌کند: «وکیل مجرب متخصص در پرونده قتل، کروکی را با بازسازی صحنه جرم و با اظهارات متهم یا متهمان و مطلعان پرونده تطبیق می‌دهد، در نتیجه با جمع‌بندی اولیه پرونده می‌تواند ادامه پرونده را با موفقیت پیش ببرد».

امیرحسین شمس، مدیر حقوقی سازمان محیط زیست هم در پاسخ به انتقاد خبرنگار «شرق» مبنی بر تعلل این سازمان برای گرفتن وکیل مجرب و متخصص برای پرونده قتل محیط‌بان هدایت دیده‌بان می‌گوید: «من وکیل دادگستری هستم و پروانه وکالتم تودیع شده است». اما محمدهادی جعفرپور، وکیل دادگستری، در پاسخ به این سؤال که آیا نماینده‌های حقوقی در سازمان‌های دولتی از عهده پرونده‌های پیچیده‌ای مثل قتل برمی‌آیند، می‌گوید: «امیدوارم پاسخ به این پرسش باعث رنجش نماینده‌های حقوقی دستگاه‌های دولتی نشود، اما به‌طور صریح و روشن پاسخ می‌دهم که خیر، هیچ نماینده حقوقی در ارگان دولتی نمی‌تواند از عهده پرونده‌ای مثل قتل بربیاید. چون پرونده قتل، یک پرونده خاص است و حتی بین وکلا هم همه وکلا نمی‌توانند روی این پرونده‌ها تسلط داشته باشند، به همین دلیل تعداد وکلای شناخته‌شده برای پرونده‌های قتل محدود هستند. از سوی دیگر نماینده حقوقی سازمان‌های دولتی مثل محیط زیست که روی مواردی مثل آلودگی هوا، قطع درخت و... کار می‌کنند تجربه کافی برای پرونده قتل ندارند. دقت کنیم ۲۰ درصد وکالت مربوط به دانش حقوقی است، ۸۰ درصد دیگر مربوط به تجربه است که از فعالیت متعدد در پرونده‌های مشابه به دست می‌آید». این وکیل دادگستری تأکید دارد: «حتی در ناجا و فراجا که دارای دایره حقوقی گسترده‌ای هستند، در پرونده‌های قتل، نماینده‌های حقوقی خود را کنار می‌گذارند و از وکلای متخصص قتل استفاده می‌کنند».

مدیر حقوقی سازمان محیط زیست می‌گوید خودش وکیل است و پروانه وکالتش تودیع شده است اما یکی از حقوق‌دانان در این مورد به «شرق» می‌گوید: «در قانون آیین دادرسی مدنی راجع به شیوه اعلام وکالت وکلا تصریح شده است. این قانون وقتی راجع‌به وکیل دادگستری صحبت می‌کند، یعنی اعضای کانون وکلا و افرادی که در مرکز وکلا به عنوان وکیل شناخته می‌شوند. در همین قانون آیین دادرسی مدنی یک استثنا برای سازمان‌های دولتی پیش‌بینی شده است مبنی بر اینکه این افراد می‌توانند به محاکم قضائی، نماینده حقوقی معرفی کنند، یعنی اگر شخصی در استخدام دولت باشد و لیسانس حقوق هم داشته باشد، می‌تواند به عنوان نماینده ارگان دولتی و به وکالت از یک ارگان دولتی در جلسات دادگاه حضور پیدا کند اما اگر کسی پروانه وکالت دادگستری دارد، نمی‌تواند مستخدم دولت باشد یعنی رابطه استخدامی با دولت نمی‌تواند داشته باشد اما می‌تواند به موجب قرارداد وکالت، وکیل یک ارگان دولتی مثل سازمان محیط زیست یا هر ارگان دولتی دیگر بشود». وکیل دیگری هم می‌گوید: «وقتی کسی پروانه وکالتش را تودیع کرده، چطور می‌تواند وکالت کسی را بر عهده بگیرد؟». در این میان نسترن منصوری، همسر محیط‌بان هدایت دیده‌بان هم به «شرق» می‌گوید بارها از سازمان محیط‌زیست درخواست کرده که برای پرونده همسرش وکیل بگیرند اما آنها از این امر سر باز زده‌اند.

مدرسه

یک میلیون دانش‌آموز گم‌شده

ایوب اسلامیان، مددکار و پژوهشگر اجتماعی: سخنگوی وزارت آموزش و پرورش با یادآوری پایان مهلت ثبت‌نام دوره دبیرستان در آخر شهریور، اعلام کرده هنوز یک میلیون نفر از واجدین شرایط اقدام به ثبت‌نام در دبیرستان نکرده‌اند که عدد بسیار نگران‌کننده‌ای است. در همین راستا، به‌عنوان یک مددکار اجتماعی، اعلام می‌کنم رویکرد فعلی که یک روش منفعلانه و انتظارمحور برای ثبت‌نام است باید با همکاری دستگاه‌های مختلف و محوریت آموزش و پرورش به یک رویکرد فعال و پیگیر تغییر مسیر دهد. آموزش و تحصیل کودکان یک حق بنیادین و زیربنای سایر حقوق انسانی است و از طرفی بازماندگی تحصیلی یک شاخص مهم در ارزیابی توفیق‌نیافتن نظام آموزشی و بلکه نظام اجتماعی کشورها در تأمین فرصت‌های برابر پیش‌روی اقشار مختلف جامعه است. بازماندگی از تحصیل به وضوح فرصت‌های رشد را در سطح فردی و اجتماعی محدود می‌کند و با بسیاری از آسیب‌های اجتماعی همبستگی دارد؛ بنابراین، به‌عنوان یک مسئله اجتماعی واجد اهمیت مطرح است. بااین‌حال و علی‌رغم اهمیت آن، مسئله بازماندگی تحصیلی مشخصا به یک پدیده فاقد متولی در ساختار حکمرانی کشور بدل شده است. آموزش و پرورش خود را متولی جمعیت دانش‌آموزی می‌داند و نسبت به گروه جامانده از تحصیل حساسیت لازم را ندارد. در همین چارچوب است که از وزارت آموزش و پرورش باید سؤال کرد برنامه‌تان برای این یک میلیون نفر که تنها در دوره دبیرستان ثبت‌نام نکرده‌اند، چیست؟ برای چند روز باقی‌مانده چه ارزیابی‌ای دارید؟

مشاهده‌های میدانی نگارنده حاکی از آن است که آموزش و پرورش مداخله جدی و فعالی برای افزایش نرخ ثبت‌نام ندارد و همه چیز به اراده خانواده‌ها بازمی‌گردد. این در حالی است که ابزارهای لازم برای ارتباط و تأثیرگذاری بر خانواده را در اختیار دارد که شامل طیفی از ابزارهای سخت قانونی تا ابزارهای رابطه‌ای است. مطالبه‌گری از سایر دستگاه‌ها در مقابله بهنگام با بازماندگی هنوز به حساسیت عمومی بدل نشده است. درحالی‌که بخشی از جمعیت بیرون از مدرسه، به دلیل فقر و شرایط دشوار اقتصادی از ادامه تحصیل سر باز می‌زنند و در مواردی پای غفلت و سهل‌انگاری خانواده در ممانعت از تحصیل در میان است و بعضا بهره‌کشی اقتصادی و سوءاستفاده از کودکان ممکن است دلیل خروج آنها از چرخه آموزش باشد که در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و آیین‌نامه اجرائی آن، به نقش حمایتی، پیشگیرانه، معاضدتی، قانونی و... دستگاه‌های مختلف برای برخورد با شرایط مخاطره‌آمیز در جمعیت کودک و نوجوان به تفصیل اشاره شده است. با این‌همه، در آستانه سال تحصیلی از بیانات سخنگوی وزارت آموزش و پرورش چنین بر می‌آید که توپ ثبت‌نام تنها در زمین دانش‌آموز-خانواده است و دستگاه‌های مختلف تنها نظاره‌گر هستند.

جدول ۵۱۴۵ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- همت‌گماشتن- نمازی که به تنهایی خوانده شود- نشانه اختصاری صفحات ۲- اکنون- اصلی مهم در تربیت فرزندان- اهل سنت بودن ۳- کم‌پشت- ارفاق- فرایازی ۴- پاک و منزه- طوفان دریایی ۵- دندانه سوهان- میل به غذا- خلافکار ۶- دلیر و شجاع- هنر استفاده از رنگ روی سطح دوبعدی- احداث آن موجب رونق کشاورزی است ۷- طراح- از شعرای نامی قرن دوازدهم و از پیشگامان سبک بازگشت ادبی- پدر آذری ۸- آویخته- شروع، آغاز- پشتیبان ۹- برای بیان تأسف به کار می‌رود- الگو- نجات‌یافتن ۱۰- یال اسب- دوره‌ای از بیماری- موفق ۱۱- ارمغان- صبحانه‌نخورده- قدم یکپا ۱۲- سهل‌انگاری- رمان مشهور رضا امیرخانی ۱۳- بسیار کهنه و غیرقابل استفاده- قراردادن- تنها عضلات بدن که هرگز خسته نمی‌شوند ۱۴- حاجت- لوله لاستیکی قابل انعطاف- وطن ۱۵- عنصر مؤثر در تنظیم فعالیت‌های بدن- از حواریون- مراسم بزرگداشت

عمودی:

۱- آنچه شیران را کند روبه‌مزاج- اطاعت‌نکردن دستور ۲- کلمه هشدار- کنایه از فرزند است- آقای عرب ۳- نوعی دستگاه مخابراتی- راه‌یافتن به داخل چیزی- پرهیزکردن ۴- ضمیر جمع- سردار ایرانی در زمان خسروپرویز- مرمت و تعمیر ۵- گله چارپایان- فیلسوف دیالکتیک ۶- پی‌درپی- ریزه فلز- بخیل ۷- ابزار آراستن مو- آسیب- رهبر انقلاب ۱۹۱۷روسیه ۸- زمینه پشت سوژه در عکاسی- روی هم جمع کردن- بهوش باش ۹- اقدام به کار خطرناک- زورق- ماه پاییزی ۱۰- سفید آذری- بی‌شرمی- امتداد ۱۱- ازهم‌پاشیدن- کدبانو ۱۲- برقراری جریان خیلی زیاد بین دو نقطه از مدار الکتریکی- تاریکی‌ها- بالا آمدن آب دریا ۱۳- بی‌صدا- به پارچه می‌زنند تا براق شود- رئیس نقالان و معرکه‌گیران در دوره صفوی ۱۴- آفرینش- درماندگی و ناتوانی- بازی و سرگرمی ۱۵- مسئول دریافت و پرداخت پول به مشتریان- تخم‌مرغ عسلی

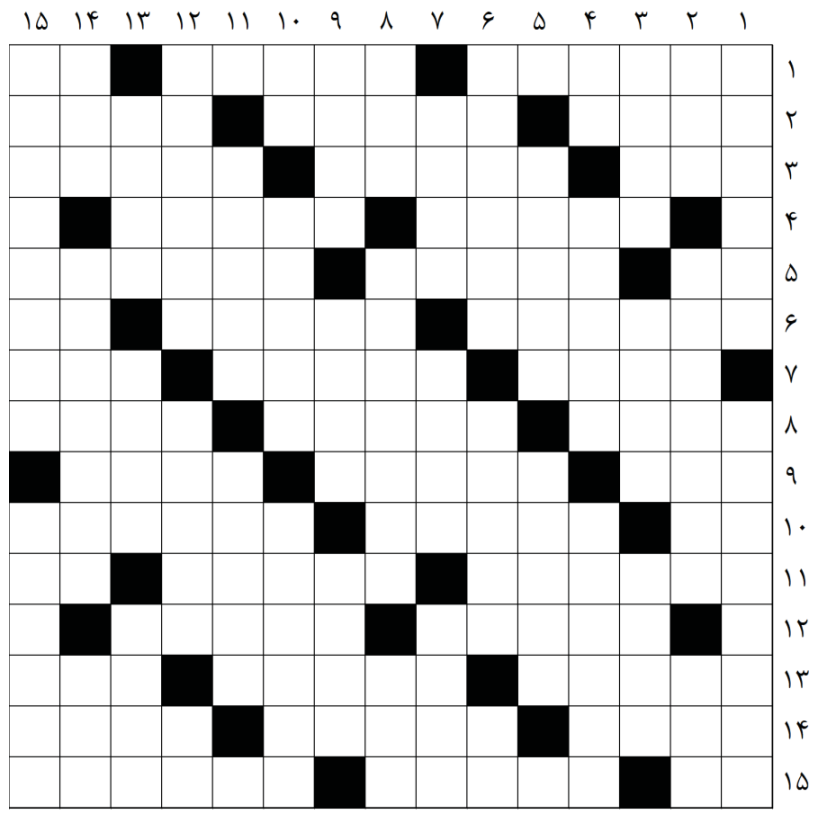

حل سودوکو ۴۱۴۰

۸	۹	۳	۶	۱	۷	۲	۴	۵
۲	۱	۵	۴	۸	۳	۶	۷	۹
۷	۴	۶	۵	۹	۲	۱	۸	۳
۴	۷	۱	۳	۲	۶	۵	۹	۸
۵	۶	۲	۸	۷	۹	۳	۱	۴
۳	۸	۹	۱	۵	۴	۷	۶	۲
۹	۲	۴	۷	۶	۵	۸	۳	۱
۶	۵	۸	۹	۳	۱	۴	۲	۷
۱	۳	۷	۲	۴	۸	۹	۵	۶

۶	۹	۱	۳	۲	۷	۴	۸	۵
۲	۳	۴	۵	۱	۸	۷	۹	۶
۵	۷	۸	۶	۴	۹	۱	۳	۲
۷	۱	۲	۸	۳	۶	۵	۴	۹
۴	۵	۶	۱	۹	۲	۸	۷	۳
۳	۸	۹	۴	۷	۵	۲	۶	۱
۹	۴	۵	۷	۶	۱	۳	۲	۸
۱	۶	۳	۲	۸	۴	۹	۵	۷
۸	۲	۷	۹	۵	۳	۶	۱	۴

حل جدول ۵۱۴۴

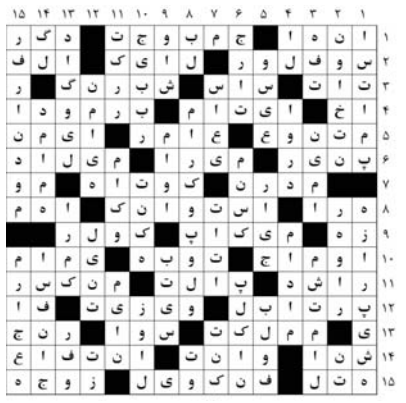

سودوکو سخت ۴۱۴۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

						۸		
۹				۱		۵		
	۸				۹		۲	۳
۶		۳	۹	۴		۲		
	۷						۳	
		۹		۸	۶	۷		۱
۳	۲		۸				۶	
		۷		۳				۲
		۵						

سودوکو ساده ۴۱۴۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۱			۴					۶
۸		۶			۲	۴		
			۵	۸			۹	۳
	۲	۴	۷	۳				
۹								۴
				۴	۹	۷	۸	
۷	۶			۵	۱			
		۹	۲			۳		۷
۴					۳			۸